

معارف اسلامی و حقوق سال دهم شماره اول- بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۰۵-۱۲۹

بررسی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن و مقایسه آن با انتقال طلب

ربيعا اسکینی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۰۲/۱۶

علیرضا جعفریان**

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۰۳/۲۵

چکیده

اصطلاح و ساختار حقوقی تبدیل تعهد میراثی از رومیان است، که در حقوق بسیاری از کشورها به یادگار مانده است ولی این نهاد سابقه‌ای در حقوق و فقه اسلامی نداشته. در حقوق ایران این نهاد در ماده ۲۹۲ قانون مدنی ایران پذیرفته شده است، در این مقاله به بررسی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن در حقوق ایران و تفاوت آن با انتقال طلب خواهیم پرداخت. با توجه به لزوم مطالعه تطبیقی در این خصوص، این دو نهاد به‌طور مختصر با حقوق مصر نیز تطبیق داده می‌شود. در بخش اول ابتدا مفاهیم، ماهیت، شرایط و آثار تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن را بررسی نموده و در بخش دوم به صورت مختصر با انتقال طلب به عنوان نهاد دیگر ایفای تعهد آشنا خواهیم شد. سرانجام بخش سوم به مقایسه این دو نهاد اختصاص یافته است.

واژگان کلیدی

تبدیل تعهد، تبدیل دائن، انتقال طلب، ماده ۲۹۲

* دانشیار و عضو هیأت علمی سازمان انرژی اتمی ایران

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام a.r.j.13611379@gmail.com

ایفاء تعهد از دیرباز مورد توجه انسان‌هایی که در قبال یکدیگر متعهد بوده‌اند، بوده است. از طرف دیگر گذشت زمان و پیچیده‌تر شدن و گسترده‌تر شدن ارتباطات انسانی در راستای رفع نیازهای زندگی اجتماعی به تبع ایفاء تعهد از شکل ساده و اولیه آن، به انواع پیچیده‌تر سوق داد. به گونه‌ای که در هر زمان و به تناسب نیازهای آن تأسیس و مکانیزم‌های مختلف برای این امر طراحی و اجرا شده است.

تبدیل تعهد یا «التجريد» از جمله این تأسیس‌ها است. اصطلاح و ساختار حقوقی تبدیل تعهد میراثی از رومیان است، که در حقوق بسیاری از کشورها به یادگار مانده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۱۹۸) در واقع می‌توان گفت، که این نهاد سابقه‌ای در حقوق و فقه اسلامی نداشته و به عبارت بهتر تحت این عنوان شناسایی نشده است. برخی اساتید چنین عنوان می‌کنند، که اگر چه این نهاد صریحاً در حقوق اسلامی بیان نگردیده است، ولی می‌توان آن را از برخی معاملات و نهادهای حقوقی اسلام استنباط نمود. به عنوان مثال تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دین و تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل سبب یا منشأ را می‌توان از عقد صلح استنباط نمود. چنانچه مدیون به جای پرداخت پولی که بر ذمه دارد، با توافق دائن کالایی مساوی با همان قیمت بپردازد. در این جا تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دین صورت پذیرفته، که در حقوق اسلام تحت عنوان وفا به غیرجنس (حسینی‌عاملی، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۷۱) در قالب عقد صلح شناخته شده است. (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۸۳۵) بر اساس نظر این دسته از اساتید حقوق استبدال در فقه اعم از تبدیل تعهد (به حسب تبدیل دین) است و آن عبارت است، از تراضی مقرون به ابدال تعهد مالی، خواه طرفین تراضی اصاله قصد سقوط آن تعهد را داشته باشند، (مثل وفاء به غیرجنس مورد تعهد) یا اصالتاً چنین قصدی نداشته باشند. (جعفری لنگرودی، ج ۱، ۱۳۸۶، ص ۲۴۶)

بررسی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن و مقایسه آن با اعتبار طلب ۱۰۷

لکن نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است، که اگر چه می‌توان نهادهای مشابه به نهاد تبدیل تعهد در متون حقوقی و فقه اسلامی یافت. لکن این به این معنی نیست، که نهاد خاص تبدیل تعهد پذیرفته شده باشد. حال آن‌که این نهاد حقوقی یک نهاد خاص ایفاء تعهد با آثار خاص خود می‌باشد و سابقه‌ای از این نهاد در متون حقوقی اسلام به چشم نمی‌خورد.

فارغ از مسائل فوق نهاد تبدیل تعهد در حقوق ایران پذیرفته شده است. ماده ۲۹۲ قانون مدنی ایران موارد تبدیل تعهد را در سه بند آورده است. که با مذاقه در آن می‌توان چهار حالت برای تبدیل تعهد قائل شد:

- تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل موضوع تعهد
- تبدیل تعهد به اعتبار منشاء تعهد
- تبدیل تعهد به اعتبار متعهد
- تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن

در این پژوهش به بررسی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن در حقوق ایران و تفاوت آن با انتقال طلب خواهیم پرداخت. با توجه به لزوم مطالعه تطبیقی در این خصوص، این دو نهاد به‌طور مختصر با حقوق مصر نیز تطبیق داده می‌شود. در بخش اول ابتدا مفاهیم، ماهیت، شرایط و آثار تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن را بررسی نموده و در بخش دوم به صورت مختصر با انتقال طلب به عنوان نهاد دیگر ایفاء تعهد آشنا خواهیم شد. سرانجام بخش سوم به مقایسه این دو نهاد اختصاص یافته است.

۱. تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن

همان‌گونه که در مقدمه مطرح شد، از اقسام تبدیل تعهد به عنوان یکی از طرق ایفاء تعهدات، تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن (متعهد) می‌باشد. در این بخش به بررسی مفهوم، ماهیت، شرایط و آثار این نوع تبدیل تعهد خواهیم پرداخت:

۱.۱. مفاهیم

۱.۱.۱. معنی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن

همانند سایر عبارات و اصطلاحات حقوقی برای این اصطلاح نیز می‌توان قائل به معنی لغوی و اصطلاحی شد، که در ذیل به آن اشاره می‌گردد:

۱.۱.۱.۱. معنی لغوی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن:

از نظر لغوی تبدیل تعهد مرکب از دو واژه تبدیل و تعهد می‌باشد. تبدیل در لغت، با معنای بدل کردن و عوض کردن آمده است. علاوه بر آن، عده‌ای تبدیل را به معنی بدل کردن چیزی به چیزی، تحویل و تعویض به کار برده‌اند. (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۵۱۵) اما واژه تعهد به معنای عهده‌دار شدن به کار برده می‌شود.

۱.۱.۱.۲. معنی اصطلاحی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن

از طرف اساتید محترم حقوق تعاریف مختلفی برای این عبارت ارائه شده است. برخی از اساتید تبدیل تعهد را عبارت از تبدیل تعهد سابق به تعهد دیگری که جایگزین آن می‌گردد، به گونه‌ای که تعهد پیشین نابود می‌شود و تعهد جدید به جای آن می‌آید، تعریف کرده‌اند. (شهیدی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۳) برخی دیگر تبدیل تعهد را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «تبدیل تعهد یک عمل حقوقی است، که به موجب آن تعهد قدیم منتهی و عهد جدید جایگزین آن می‌گردد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۷۲۹) تبدیل تعهد ممکن است، به صورت تبدیل مدیون با بستانکار یا طلب باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۳۷) برای این که امکان تبدیل تعهد وجود داشته باشد، اولاً باید تعهد سابق از بین برود، ثانیاً تعهد جدید جای تعهد سابق را بگیرد و ثالثاً تضمینات تعهد سابق محو می‌شود. مگر این که طرفین به ابقاء آنها رضایت دهند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۱۴)

بدیهی است در این گونه تبدیل تعهد، تعهد اول باید صحیح باشد، ولی اجرا نشده باشد و تعهد جدید نیز باید قانوناً صحیح باشد. چراکه در تبدیل تعهد، گویی تعهد جدید عوض تعهد قبلی است و ما به ازای این تبدیل باید قانوناً صحیح و

بررسی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن و مقایسه آن با اعتبار طلب ۱۰۹

موجود باشند. علاوه بر تعاریف فوق تعریف دیگری برای تبدیل تعهد ارائه شده است، عبارت است از این که تعهدی در نتیجه تغییر یکی از ارکان آن به تعهد دیگر تبدیل گردد. در این صورت تعهد اول ساقط و تعهد دیگری جایگزین آن می گردد. (صفایی، ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۳۶۱) همان طور که ملاحظه شد، اگر چه از طرف اساتید محترم حقوق تعاریف مختلف برای تبدیل تعهد ارائه گردیده است، لکن هر کدام دارای نواقصی می باشند، که تا حد زیادی این نواقص در تعریف اخیر پوشش داده شده است. نکته اساسی و قابل تأمل این تعریف، لزوم تبدیل یکی از ارکان اصلی تعهد سابق می باشد. چراکه اگر یکی از ارکان اصلی تعهد قبلی تغییر پیدا نکند، تبدیل تعهد حاصل نشده، و اساساً تعهد جدید به وجود نیامده است. منشاء دین، دائن و مدیون، خود دین از ارکان اساسی و اصلی تعهد محسوب می گردند، که تبدیل یا تغییر هر کدام باعث ایجاد تعهد جدید می گردد. دکتر سنهوری به این ارکان اساسی در تعریف خود به این صورت اشاره می کند که: «التجريد هوا استبدال دين جديد، به این قدیم، لیکن سبباً فی قضاء الدين القديم و فی نشوء الدين الجديد و تمیيز الدين الجديد عن الدين القديم اما بتغيير فی الدين (او فی محله او مصدره) و اما بتغيير المدين و اما بتغيير الدائن» (سنهوری، ۱۹۵۹ م، ج ۳، ص ۸۱۳)

با توجه به تفصیل فوق، تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن زمانی رخ می دهد، که در صورت تجمیع سایر شرایط تبدیل رکن دائن تعهد سابق تغییر و دائن جدید جایگزین آن گردد. این نوع از تبدیل تعهد از طرف برخی از اساتید این گونه تعبیر شده است، که مدیون و متعهدله توافق خواهند کرد، که تعهد مدیون در برابر دائن به تعهد او در برابر ثالث تبدیل یابد، که در صورت قبول داشتن ثالث تعهد اول ساقط شده و تعهد جدید در برابر ثالث به وجود می آید. (شهیدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۴۳) برخی دیگر از اساتید تراضی متعهدله جدید و سابق را برای ایجاد تبدیل تعهد لازم دانسته و آن را رکن اصلی ایجاد تبدیل تعهد دانسته اند. و این گونه تعبیر می کنند، که اگر بستانکار جدید از طریق تراضی با بستانکار قدیم، جایگزین گردد،

۱۱۰ ربیعا اسکینی و علیرضا جعفریان

در این صورت بدهکار در رابطه با بستانکار نخستین بری الذمه می‌گردد. این قسم از تبدیل تعهد ممکن است، با جلب رضایت مدیون اصلی و یا بدون جلب رضایت او صورت گیرد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۸) تفاوت در تعبیر فوق در ارکان رضایت ایجاد تبدیل تعهد است. تعبیر دوم رضایت دائن جدید و سابق را برای تشکیل و ایجاد و تبدیل تعهد لازم می‌داند، حال آن‌که در تعبیر اول رضایت دائن و مدیون برای تبدیل تعهد لازم و ضروری دانسته شده است. اگرچه به نظر هیچ‌کدام از تعابیر کامل نیست. لکن قائل شدن به تعبیر دوم چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد. چراکه دائن جدید هیچ‌گاه قراردادی و غیرقراردادی درخصوص رابطه دائنی و مدیونی که تبدیل آن مورد بحث است ندارد و اگر قرار است تغییری در یک رابطه قراردادی حاصل شود، حداکثر رضایت طرفین آن لازم و ضروری است. اگرچه ممکن است، شرط مکفی نباشد، ولی قصعاً لازم است. با این حال قائل شدن به عدم نیاز به رضایت مدیون ابعاد به نظر می‌رسد. اگرچه نویسندگان در این خصوص تغییر موضع داده و رضایت مدیون را به عنوان یک رضایت ثانویه لازم دانسته‌اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹، ص ۴۲۰۹) برخی دیگر از اساتید حقوق تبدیل تعهد را تبدیل تعهد سابق به تعهد دیگری که جانشین آن می‌گردد، تعبیر کرده‌اند. (امامی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۳۵)

علاوه بر تعاریف و تعابیری که از طرف اساتید محترم حقوق به آن اشاره شد، متون قانونی نیز از این نوع تبدیل تعهد تعاریف مختلف ارائه داده‌اند. ماده ۲۵۳ قانون مدنی مصر، تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن را این‌گونه تعریف می‌کند: «ان التزام تجديد بتغيير الدائن اذا اتفق الدائن و المدين و اجنبی علی ان يكون هذا الاجنبی هو الدائن الجديد».

نکته‌ای که با توجه به این تعریف می‌توان به آن اشاره نمود، این است، که در تبدیل تعهد یک رابطه قراردادی از بین می‌رود و رابطه قراردادی جدید به وجود می‌آید. اگر دقیق‌تر کنکاش شود، در یک لحظه رابطه قراردادی سابق منتهی و رابطه

بررسی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن و مقایسه آن با اعتبار طلب ۱۱۱

قراردادی جدید به وجود می‌آید، که در این دو رابطه مدیون ثابت و دائن تغییر می‌کند. لذا به نظر می‌رسد، رضایت دائن اول و مدیون یا رضایت دائن اول و دوم یا دائن دوم و مدیون به تنهایی نمی‌تواند، بحث ایجاد این تأسیس حقوق گردد. چراکه هم زمان از بین رفتن، و ایجاد تعهد جدید رضایت هر سه فرد لازم را می‌طلبد. و هرکدام از طرفین سه گانه رضایت نداشته باشند، یا تعهد سابق از بین نمی‌رود، یا اساساً تعهد جدید شکل نمی‌گیرد و به هر حال تبدیل تعهد محقق نمی‌شود. لذا برخلاف نظر برخی اساتید رضایت همزمان دائن جدید، دائن قدیم و مدیون برای تحقق تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن لازم و ضروری است و فقدان هرکدام مانع ایجاد تبدیل تعهد می‌گردد. این مسأله از طرف برخی اساتید حقوق مورد تأیید واقع شده است. (سنه‌وری، ۱۹۵۹م، ج ۳، ص ۸۲۵)

قانون مدنی فرانسه تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن را وقتی محقق می‌داند، که در نتیجه یک تعهد جدید طلب‌کاری جدید، جانشین طلب‌کار سابق که مدیون در مقابل او بری شده است، شود. (ماده ۱۲۷۱ قانون مدنی فرانسه)

ماده ۲۹۳ قانون مدنی ایران نیز به تبدیل تعهد پرداخته و بند ۳ ماده مزبور به تعریف تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن اختصاص یافته است. (ماده ۲۹۳ قانون مدنی ایران) ظاهر این بند دلالت بر تعریف انتقال طلب دارد. چراکه در این تعریف نه تنها به ارکان و شرایط مورد نیاز تبدیل تعهد اشاره نشده است، بلکه تعریفی منطبق بر تعریف انتقال طلب ارائه داده است و این در حالی است، که صدر ماده مزبور مربوط به تبدیل تعهد و بند ۳ آن ناظر به بیان یکی از انواع آن می‌باشد و هیچ اشاره‌ای به بحث انتقال طلب نشده است. در توجیه این تعارض دو نظر عمده از طرف اساتید حقوق مطرح شده است. برخی اساتید مفاد این بند را با حقیقت تبدیل تعهد سازگار ندانسته و آنرا منطبق با انتقال طلب دانسته‌اند و از آنجا که این دو تأسیس را، دو تأسیس جدا و مستقل می‌دانند، لذا چنین فرض نموده‌اند، که قانون‌گذار دچار اشتباه شده است. (شهیدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۳۹) استدلال این دسته از حقوق‌دانان این است، که اجرای مفاد ماده ۲۹۳ ق.م نسبت به شق سوم ماده

که تعریف انتقال طلب است، برخلاف قاعده حقوقی انتقال طلب می‌باشد. چراکه در انتقال طلب تضمینات پس از انتقال باقی مانده و بر عهده متعهد می‌باشد. در صورتی که شق سوم ماده مزبور اگرچه در ظاهر، تعریف انتقال طلب است، ولی منظور تبدیل تعهد به وسیله دائن می‌باشد. زیرا ماده در مقام بیان تبدیل تعهد است و می‌توان شق سوم را با تفسیری مختص از ظاهر خود منصرف نمود. (امامی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۴۳)

علی‌رغم مسائل فوق، دسته دیگر قائل به این نظر شده‌اند، که قانون‌گذار دچار مسامحه نشده و عمداً قانون را این‌گونه تنظیم نموده است. گویی این‌که قانون‌گذار می‌خواسته تأسیس جدید به وجود آورد و با حذف اضافات انجام امور را سهل‌تر گرداند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۳۰۴) استدلال این دسته از اساتید حقوق مبتنی بر این مطلب است، که مرحوم مصطفی عدل که عضو کمیسیون تدوین قانون مدنی بوده و به دلیل سابقه تحصیلی خود اقتباس حقوق خارجی را برعهده داشته است، در تفسیر این بند هیچ حکایتی از مفهوم آن و لزوم جایگزینی آن نکرده است؛ از طرف دیگر مرحوم بروجردی نیز که همکار وی در تدوین جلد دوم و سوم قانون مدنی بوده‌اند، به صراحت بند مزبور را انتقال طلب نامیده است و تا زمان دکتر امامی هیچ‌گونه اعتراضی نسبت به این مطلب وجود نداشته و اعتراضات نسبت به این ماده از زمان مرحوم امامی به بعد آغاز گردیده است. لذا به نظر می‌رسد، نویسندگان قانونی مدنی در نظر داشته‌اند، با پیراستن بخش‌های اضافی در دورانی که طلب‌کار می‌تواند به یک ظهنویسی ساده طلب خود را منتقل کند، نیازی به تأمین نظر بدهکار برای این امر نداشته باشد.

اگر چه نظر اساتید محترم در جای خود قابل احترام و حاصل تلاش و تجربه این بزرگان می‌باشد، لکن نکته قابل توجه این است، که مسامحه تدوین‌کنندگان قانون مدنی در اعتراض نسبت به بند، دقیقاً دال بر مسامحه آن‌ها در زمان قانون‌گذاری است. چراکه در صورت توجه و اهمیت، زمان قانون‌گذاری به آن پرداخته می‌شد و عدم اعتراض به آن دال بر صحت آن نیست و چه بسا دال بر ادامه

بررسی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن و مقایسه آن با اعتبار طلب ۱۱۳

مسامحه آن عزیزان باشد. از طرف دیگر استناد به ظهنویسی به عنوان یکی از راه‌های انتقال سند در این جا مناسب به نظر نمی‌رسد، چراکه ظهنویسی اسناد تجاری یک تأسیس خاص و جداگانه‌ای است، که قانون‌گذار نیز آن را در جای خود و درخصوص مسائل تجاری پذیرفته و شرایط آن را بیان کرده است. نکته حائز اهمیت این‌که ذکر عنوان انتقال طلب به مفهوم اصطلاحی حقوقی آن در برخی قوانین موضوعه کشور بیش از پیش دال بر مسامحه قانون‌گذار در این ماده است، چراکه اگر قانون‌گذار به دنبال ایجاد تأسیس جدید فارغ از عنوان خاص تبدیل تعهد و انتقال طلب بود، اشاره به آن تأسیس خاص در ادامه روند قانون‌گذاری مطلوب به نظر نمی‌رسد.

با توجه به تفصیل فوق نظر دسته اول اقوی به نظر می‌رسد و اصلاح این بند قانون جهت تنویر افکار و تسهیل اجرا توصیه می‌گردد.

۱.۱.۲. ماهیت تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن

همان‌طور که عنوان شد، تبدیل تعهد یک تأسیس حقوقی است، که حاصل آن ایجاد یک تعهد جدید و از بین رفتن تعهد سابق می‌باشد، به گونه‌ای که بین تعهد جدید و قدیم به خاطر عوض شدن یکی از ارکان اصلی تعهد ارتباطی وجود نداشته، مگر این‌که طرفین تعهد جدید با توافق یک‌دیگر شروط تعهد سابق را به عنوان شروط تعهد جدید بپذیرند. با این وصف تبدیل تعهد یک قرارداد معوض است، که عوضین آن سقوط تعهد سابق و ایجاد تعهد جدید می‌باشد و یکی از عوضین علت عوض دیگر است. لذا اگر بعد از قرارداد تبدیل تعهد معلوم شود، که تعهدی وجود نداشته یا باطل بوده است، مثل این است، که یکی از عوضین معامله در حین عقد موجود نبوده است، لذا تبدیل قرارداد باطل خواهد بود.

تبدیل تعهد یک عمل حقوقی است، و قصد و رضا از شرایط آن محسوب می‌گردد. (صفایی، ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۲۶۱) برخی از اساتید حقوق رابطه میان سقوط تعهد قدیم و ایجاد تعهد جدید را یک رابطه علی و معلولی می‌دانند، چراکه تعهد سابق موجب پیدایش تعهد جدید می‌گردد. (امامی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۳۷) و به این

خاطر است، که ایجاد تبدیل تعهد با اراده یک طرف امکان پذیر نیست و نیازمند اراده دو طرف می باشد. لذا تبدیل تعهد در میان اعمال حقوقی، ماهیت قراردادی دارد و با توجه به این که تعهد جدید جانشین تعهد سابق می شود باید پذیرفت که تبدیل تعهد نوعی قرارداد معوض است. با عنایت به تفصیل فوق چنین می توان نتیجه گرفت که تبدیل تعهد ماهیت قراردادی داشته و برای تحقق آن تمام شرایط لازم برای تحقق یک قرارداد حقوقی باید وجود داشته باشد. که به این مقوله در فصل بعد خواهیم پرداخت.

۱.۲. شرایط تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن

برای ایجاد هر قرارداد حقوقی، شرایطی وجود دارد، که وجود تمام آن شرایط برای ممکن الوجود شدن آن قرارداد الزامی است. هرکدام از شرایط، شرط لازم برای تشکیل ولی شرط مکفی نمی باشند و جمع تمام شرایط لازم و ضروری است. شرایط لازم برای تحقق هر قرارداد با توجه به نوع هر قرارداد را می توان به دو دسته، شرایط عمومی و اختصاصی تقسیم کرد، که در ادامه و به صورت اختصار به آنها اشاره می گردد.

۱.۲.۱. شرایط عمومی تبدیل تعهد

برای تشکیل و ایجاد هر قرارداد حقوقی، فارغ از نوع آن ی شرایطی لازم است، که به آن شرایط عمومی گویند. احراز تمام این شرایط و وجود تمام آنها لازم و ضروری است. اهلیت طرفین معامله، یعنی این که اساساً طرفین حق و صلاحیت انجام معامله را داشته باشند، مشروعیت جهت معامله و سایر شرایطی که قانون گذار آنها را در ماده ۱۹۰ ق.م ایران پیش بینی کرده است. با توجه به این که این بحث به صورت مفصل و در ابواب مختلف حقوق مدنی مورد بررسی واقع شده است، از اطاله کلام در این خصوص خودداری می گردد.

۱.۲.۲. شرایط اختصاصی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن

علاوه بر شرایط عمومی، هر قرارداد با توجه به نوع و ویژگی های آن دارای شرایطی اختصاصی است. به عبارت دیگر وجه ممیز قراردادها از یکدیگر وجود

بررسی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن و مقایسه آن با اعتبار طلب ۱۱۵

این شرایط اختصاصی است، که عدم آن‌ها به نوعی مانع از ایجاد آن قرارداد خاص می‌گردد. تبدیل تعهد نیز به عنوان یک واقعه حقوقی با ماهیت قراردادی از این امر مستثنی نبوده و دارای شرایطی مختص خود می‌باشد، که در ادامه بررسی خواهیم کرد:

۱.۲.۲.۱. وجود تعهد صحیح قبلی

همان‌گونه که ذکر شد، در تبدیل تعهد، تعهد جدید به جای تعهد قبلی می‌آید و به عبارت دیگر تعهد جدید عوض تعهد قدیم در رابطه قراردادی تبدیل تعهد می‌باشد. حاصل مطلب این که، زمانی این رابطه عوض و معوض حاصل می‌گردد، که تعهد قدیم یک تعهد درست باشد. چراکه امر عدمی نمی‌تواند، معوض چیز دیگر واقع گردد. حال اگر بعد از گذشت مدت زمانی معلوم گردد، که تعهد اول صحیح نبوده است، کشف خواهد شد که تبدیل تعهد واقع نشده است. زیرا آنچه مورد رضایت طرفین بوده جایگزینی یک تعهد جای تعهد دیگر است، که در حقیقت یک معاوضه بوده است، نه این‌که صرفاً یک تعهد جدید بودن ارتباط با تعهد دیگر به وجود آید. این امر زمانی محقق می‌گردد، که طرفین معاوضه قابلیت عوض و معوض شدن را دارا باشند. (شهیدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۴۱) به عبارت دیگر می‌توان گفت علت سقوط تعهد سابق وجود تعهد جدید است و بین این دو رابطه مستقیم وجود دارد.

۱.۲.۲.۲. ایجاد تعهد جدید

همان‌گونه که ذکر شد، تبدیل تعهد یعنی ایجاد تعهد جدید به جای یک تعهد سابق با تعویض دائن متعهد سابق. لذا یکی دیگر از شرایط اختصاصی ایجاد تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن، به وجود آمدن یک تعهد جدید است. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است، که تمام نکاتی که درخصوص صحیح بودن تعهد سابق عنوان شد، در تعهد جدید نیز صادق است. چراکه تعهدی می‌تواند به جای تعهد سابق قرار گیرد و به عنوان عوض آن در رابطه قراردادی مطرح گردد، که یک تعهد صحیح باشد و اساساً یک تعهد غیرصحیح کالعدم بوده و ارزش و اعتبار

۱۱۶ ربیعا اسکینی و علیرضا جعفریان

حقوقی در این خصوص ندارد. این امر به این خاطر است، که همزمان با سقوط تعهد قبلی باید یک تعهد جدید به وجود آید، عدم ایجاد تعهد جدید در این زمان یا عدم ایجاد صحیح آن مانع از تحقق این تأسیس حقوقی می‌باشد. (شهیدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۴۲) این شرط در حقوق مصر تحت عنوان «تعاقب التزامین» قدیم حل محل جدید (سنه‌وری، ۱۹۵۹م، ج ۳، ص ۸۱۵)، عنوان گردیده است.

۱.۲.۲.۳. تفاوت در یکی از ارکان

برای ایجاد تبدیل تعهد و به عبارت دیگر برای این که یک تعهد جدید بتواند جایگزین تعهد سابق گردد، باید این دو تعهد حداقل در یکی از ارکان خود با یکدیگر تفاوت داشته باشند. که این ارکان عبارتند از:

- موضوع دین

- سبب دین

- متعهد

- متعهدله

که در فرض این تحقیق دائن تعهد قدیم و جدید با یکدیگر متفاوتند.

نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است، که چنانچه تعهد قبلی ساقط گردد و یک تعهد جدید با همان ارکان به وجود آید، اگر قائل به لغو بودن آن نشویم حداقل این است، که این امر تبدیل تعهد محسوب نمی‌شود. چراکه در تبدیل تعهد همان‌طور که مفهوم معاوضه اقتضا می‌کند، سقوط تعهد سابق و پیدایش تعهد جدید در یک زمان انجام می‌گیرد. (شهیدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۵۵) نکته دیگر این که تغییرات غیراساسی در تعهد سابق موجب تبدیل تعهد نخواهد شد.

۱.۲.۲.۴. رضایت طرفین تعهدات جدید و سابق

اگرچه رضایت طرفین معامله به نوعی از شرایط عمومی یک معامله حقوقی محسوب می‌گردد، لکن با توجه به شرایط حاضر این شرط در تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن، جداگانه، و به عنوان یک شرط اختصاصی مطرح می‌کنیم.

بررسی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن و مقایسه آن با اعتبار طلب ۱۱۷

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، برخی از اساتید حقوق رضایت دائن جدید را در این امر و برای تحقق تبدیل تعهد ضروری ندانسته و رضایت ایشان را به عنوان ثالث قرارداد می‌داند. به عبارت دیگر و حسب این عقیده، گویی تبدیل تعهد، قراردادی است که بین دائن قدیم و مدیون منعقد می‌گردد و دائن جدید در آن نقش اساسی ندارد. از طرف دیگر برخی دیگر از اساتید رضایت مدیون را شرط لازم ندانسته و رضایت دائن جدید و دائن قدیم را برای تحقق این تأسیس مکفی می‌دانند. لکن نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است، که تبدیل تعهد سقوط یک تعهد و ایجاد تعهد دیگر به صورت همزمان و به صورت دو قرارداد جداگانه می‌باشد. به بیان دیگر، تمام شرایط لازم قراردادی که برای سقوط تعهد اول لازم است، در همان زمان برای ایجاد تعهد جدید نیز لازم و ضروری می‌باشد. لذا در یک زمان واحد رضایت دائن قدیم و جدید و مدیون ضروری است، تا تبدیل تعهد محقق گردد. این امر در قانون مدنی مصر پذیرفته شده است و در ماده ۳۲۵ ق.م. مصر آمده است: «تبدیل تعهد از طریق تغییر دائن هنگامی محقق می‌گردد که دائن و مدیون و ثالث توافق کنند بر این که ثالث دائن جدید باشد».

۱.۳. آثار تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن

هر واقعه حقوقی دارای آثاری است، که در صورتی که آن واقعه به شکل صحیح به وجود آمده باشد، آثار آن محقق خواهد شد. برخی از آثار تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن عبارتند از:

۱- سقوط تعهد اول: همان‌گونه که ذکر شد در تبدیل تعهد، تعهد اول با تمام آثار و احکام خاص آن ساقط و ذمه متعهد نسبت به آن بری می‌گردد. لذا هرگاه قسمتی از مهلت طرح دعوی براساس تعهد اول، در اثر مرور زمان سپری شده باشد با تبدیل تعهد مرور زمان قطع و مرور زمانی جدید از تاریخ تبدیل تعهد و ایجاد تعهد جدید آغاز می‌گردد. (شهیدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۴۳)

۲- زوال تضمینات و فروع تعهد اول: با سقوط تعهد اول، تضمینات آن نیز ساقط می‌گردد. چراکه وثائق و مجموعه تضمین‌های یک تعهد مختص آن تعهد می‌باشد و

وجود حقوقی مستقل ندارند. لذا چنانچه تعهد اصلی به هر دلیل از بین برود یا قابل استناد نباشد، وثائق و تضمینات آن نیز قابل استناد نیستند.

نکته‌ای که باید این‌جا به آن توجه داشت این است، که نه تنها تضمینات و وثائق یک تعهد از بین می‌رود، بلکه تمام اسباب دفاعی که مربوط به آن تعهد است، نیز از بین می‌رود به جز اسباب دفاعی که مربوط به بطلان تعهد اول می‌باشد و این هم به این خاطر است، که اگر تعهد اول باطل باشد، اساساً تبدیل تعهد رخ نداده تا قابلیت استناد و اجرا داشته باشد. برخی از اساتید حقوق اسقاط فروعات را مطلق دانسته و شامل حق فسخ و شرایط دیگری که ضمن تعهد سابق قرار داده شده است می‌دانند. علت آن را چنین عنوان می‌کنند، که آن‌ها از توابع تعهد سابق بوده و به تبع آن ساقط می‌گردند. (امامی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۴۱) در مقابل گروهی دیگر از اساتید بر این باورند، که نمی‌توان پذیرفت که حق فسخ و سایر شرایطی که در ضمن تعهد سابق قرار داده شده است، با سقوط تعهد از بین برود. (شهیدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۴۳) استدلال ارائه شده از طرف ایشان به این گونه است، که حق فسخ و شرایطی که در ضمن قرارداد درج می‌شود که منشاء تعهد است، نه ضمن خود تعهد. اگر منظور حق فسخ و شرایط مندرج در ضمن عقد باشد سقوط تعهد، سبب سقوط آن‌ها نخواهد شد چراکه سقوط تعهد به خودی خود نمی‌تواند موجب سقوط قراردادی که منشاء آن بوده است بشود تا فروع و ضمائ قرارداد نیز تبعاً از بین برود.

اگر چه دقت نظر انجام شده توسط دسته اخیر قابل توجه است، لکن با توجه به استدلال دسته اول به نظر می‌رسد مغایرتی با یک‌دیگر ندارند. چراکه اگر از یک قرارداد تفکیک میان شروط و تعهدات حاصل گردد، به گونه‌ای که احراز گردد شروط ضمن قرارداد مستقل بوده و ربطی به رابطه تعهدی طرفین قرارداد ندارد، سقوط تعهد اصلی به معنی اسقاط شروط نیست. لکن چنانچه این رابطه استقلالی قابل احراز نبوده و عکس تبعیت شرط از قرارداد و تعهد مربوط به آن احراز گردد

بررسی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن و مقایسه آن با اعتبار طلب ۱۱۹

که در اکثر مواقع بلکه غالب موارد چنین است؛ اسقاط شروط ضمن آن پس از اسقاط تعهد اصلی صورت می‌پذیرد.

نکته‌ای که در خاتمه این بحث می‌توان به آن اشاره کرد، اصل عدم تبدیل تعهد است. به عبارت دیگر طرفین باید نیت تبدیل تعهد داشته باشند و این قصد و نیت از طریق اعمال و گفتاری که دال بر آن باشد، قابل احراز است. چنانچه عمل یا رفتار یا گفتار دلالت روشن بر تبدیل تعهد نداشته باشد، چنین فرض می‌شود که طرفین قصد تبدیل تعهد را نداشته‌اند. (شهیدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۴۵) بند یک ماده ۱۱۶ قانون تعهدات سوئیس صراحتاً این مطلب را بیان می‌کند.

۲. انتقال طلب

از آنجا که مقایسه میان دو تأسیس حقوقی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن و انتقال طلب بخشی از عنوان این نوشته است و اگر در این قسمت منطقاً مقایسه این دو باید مطرح می‌شد، لکن مطلوب به نظر می‌رسد ابتدا مختصری درخصوص ماهیت و چگونگی انتقال طلب بحث و پس از تنویر افکار نسبت به این موضوع مقایسه صورت پذیرد. به این منظور در ادامه ابتدا کلیاتی درخصوص انتقال طلب مطرح و سپس این تأسیس حقوقی را با تأسیس تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن مقایسه خواهیم کرد.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است، که با انتقال طلب در مکاتب مختلف فقه اسلامی به صورت‌های گوناگون برخورد شده است. مذهب مالکی واگذاری طلب را تحت عنوان هبه دین و بیع دین پذیرفته است و با توجه به این دو حالت شرایط لازم برای تحقق و آثار خاص آن را پذیرفته است. مذاهب سه گانه دیگر (حنفی، شافعی، حنبلی) هیچ‌کدام انتقال طلب را به رسمیت نشناخته و بیع دین را تنها به مدیون جاز می‌دانند. (سنهوری، بی تا، ص ۱۷) فقه اسلامی انتقال دین را به مفهومی که در حقوق غرب آمده است، به رسمیت نشناخته است. نکته دیگری که به آن باید توجه داشت این است که انتقال طلب در حقوق مصر دارای مواد قانونی خاص و باب مستقل می‌باشد. حال آن‌که در حقوق ما تنها در ماده ۳۸ قانون

۱۲۰ ربیعا اسکینی و علیرضا جعفریان

اعسار و ماده ۲۶ قانون بیمه به این امر اشاره شده است، بدون این که به صورت کامل به شرایط آن پرداخته شود. به این خاطر مسائل مربوط به انتقال طلب را بر مبنای حقوق مصر مختصراً بیان می شود.

۲.۱. مفاهیم

۲.۱.۱. تعریف انتقال طلب

در انتقال طلب، بین دائن و ثالث توافق می شود، بر انتقال طلبی که دائن بر ذمه مدیون دارد به شخص ثالث که در نتیجه انتقال گیرنده در همان حق با جمیع ارکان و خصائصش جانشین اصلی می گردد. که ممکن است این کار به قصد فروش، هبه یا رهن یا وفا به مقابل باشد. (سنهوری، بی تا، ص ۱۷) عده ای در انتقال طلب آورده اند، که انتقال طلب عبارت است از انتقال حقی که کسی از دیگری دارد. به جهتی از جهات به شخص ثالث. (امامی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۴۷) عریف دیگری که برای انتقال طلب ارائه شده این است که انتقال طلب عقدی است که به استناد آن طلب کار حقوق خود را به ثالثی که در این عقد طرف قرارداد محسوب است انتقال می دهد و منتقل الیه قائم مقام ناقل می گردد و در برابر بر همکار سابق طلب کار می گردد. (جعفری لنگرودی، بی تا، ص ۲۲۰)

همان گونه که از تعاریف انتقال طلب برمی آید در این تأسیس حقوقی تعهد از بین نمی رود بلکه به دیگری منتقل می گردد.

۲.۱.۲. ماهیت انتقال طلب

انتقال طلب دارای ماهیت دوگانه ای است. چراکه برخی اوقات انتقال طلب قهری است و برخی اوقات اختیاری. به عنوان مثال چنانچه انتقال طلب در اثر ارث و به تبع فوت مورث به وارث صورت پذیرد، دارای ماهیت غیرقراردادی و قهری می باشد. لکن در سایر مواردی که ثالث جایگزین دائن شده و طلب با تمام اوصاف، تضمینات، ایرادات و دفاتر به او منتقل می گردد، این امر ارادی و دارای ماهیت قراردادی می باشد.

بررسی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن و مقایسه آن با اعتبار طلب ۱۲۱

۲.۲. شرایط انتقال طلب

انتقال طلب نیز مانند هر تأسیس حقوقی دیگر دارای شرایطی است، که محقق شدن آن نیاز به ایجاد آن شرایط دارد. مانند تبدیل تعهد شرایط عمومی طرفین برای انجام و ایجاد انتقال طلب لازم و ضروری است. لکن در این جا مختصراً فقط شرایط اختصاصی را بررسی می‌کنیم.

۲.۲.۱. وجود طلب

در انتقال طلب، یک طلب به ثالث منتقل می‌گردد. شرط اولی و تحلیل این است، که اساساً باید طلبی وجود داشته باشد، تا بتوان آن را منتقل نمود، چراکه دارای عدم قابلیت انتقال بوده و یا به عبارت دیگر امکان انتقال ندارد. لذا به هر دلیل و در هر زمان اثبات گردد، که اساساً طلب وجود نداشته یا زمان انتقال از بین رفته است، گویی انتقال طلب به وجود نیامده است.

۲.۲.۲. اعلان یا قبول مدیون

برخلاف تبدیل تعهد جلب رضایت مدیون برای تحقق انتقال طلب لازم و ضروری نیست. صرف اطلاع به مدیون برای تحقق این امر کفایت می‌کند. در حقوق ایران این اطلاع به هر ترتیب ممکن است، حاصل شود و دخالت مأمور اجرا در این خصوص لازم دانسته نشده است. آنچه مهم است علم او از این قرارداد است. لکن در حقوق مصر اعلان باید توسط مأمور اجرا صورت پذیرد و صرف اعلان شفاهی و یا کتبی فرد کافی هست. (سنه‌وری، بی‌تا، ص ۴۷) از طرف دیگر ممکن است بدون اعلام خاص قبولی مدیون نسبت به انتقال طلب احراز گردد. ممکن است این قبولی در قرارداد نوشته شده باشد. قبولی به این معنی اثری بیشتر از اقرار به اطلاع نداشته و برای آن در حقوق مصر نیز شکل خاص در نظر گرفته نشده است و می‌تواند در ورقه رسمی یا عادی باشد.

۱۲۲ ربیعا اسکینی و علیرضا جعفریان

۲.۲.۳. رضایت دائن اصلی و جدید

در انتقال طلب رضایت مدیون شرط نمی‌باشد. چراکه طلب جزئی از دارایی فرد است و او می‌تواند آن را به هر کسی که تمایل داشت، منتقل کند و شرط تأیید قرارداد در حق مدیون صرفاً اطلاع می‌باشد و با اطلاع او از قرارداد انتقال طلب در حق وی مؤثر است که چگونگی آن در بند قبل توضیح داده شد.

۲.۳. آثار انتقال طلب

مواد ۳۱۲-۳۰۷ قانون مدنی مصر به آثار انتقال طلب اختصاص دارد. حال آن‌که این امر در حقوق ما مغفول مانده است. با این وجود آثار انتقال طلب را به شرح زیر می‌توان عنوان کرد:

۲.۳.۱. آثار ارتباط با دائن جدید و قدیم

نسبت به دائن جدید و قدیم پس از انتقال طلب آثاری وجود دارد، که عبارتند از:

۲.۳.۱.۱. انتقال طلب همراه با اوصاف و دفاع‌ها

همان‌گونه که عنوان شد، از آن‌جا که در انتقال طلب، یک تعهد جدید به وجود نمی‌آید، لذا همان طلب با همان اوصاف منتقل می‌گردد. این انتقال به محضر عقد صورت می‌پذیرد. لذا در اسناد و مدارک ثبت این امر در اختیار منتقل‌الیه قرار گیرد.

۲.۳.۱.۲. انتقال توابع طلب

توابع طلب با فرض یکسان بودن طلب قبل و بعد از انتقال، منتقل می‌گردد. که این توابع عبارتند از:

- تضمینات
- بهره و اقساط طلب
- انتقال دعاوی مربوطه

بررسی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن و مقایسه آن با اعتبار طلب ۱۲۳

۲.۳.۱.۳. ضمانت انتقال دهنده: انتقال دهنده در انتقال طلب دارای

صورت‌های زیر می‌باشد:

- ضمانت انتقال دهنده نسبت به افعال خودش اگر باعث نقصان یا زوال طلب شود.

- ضمانت قانونی در انتقال معاوضی (وجود اصل طلب)

- ضمان قرارداد در انتقال معاوضی (اجرای توافق)

۲.۳.۲. آثار انتقال طلب در ارتباط با دائن جدید و مدیون

۲.۳.۲.۱. قبل از اعلان یا قبول

در این حالت اگر چه انتقال طلب در حق او نافذ نشده، لکن صرف ایجاد قرارداد آثارش مترتب است. مثل اقدامات احتیاطی محال‌له: قبل از اعلان یا قبول محال علیه می‌تواند اقداماتی جهت حفظ طلب انتقالی به عمل آورد. (ماده ۳۰۶ قانون مدنی مصر)

۲.۳.۲.۲. بعد از اعلان یا قبول

در این حالت قرارداد در حق مدیون نافذ و دائن جدید جایگزین دائن قدیم می‌گردد و کلیه حقوق طلب مزبور نیز از آن وی می‌گردد.

در رابطه با انتقال دهنده و مدیون نیز می‌توان گفت: قبل از اعلان یا قبول، قرارداد در حق مدیون نافذ و ذمه او نسبت به دائن اولی مشغول است. لکن بعد از اعلان او هیچ رابطه‌ای با دائن اولی ندارد.

آثار انتقال طلب در ارتباط با ثالث و بحث تراحم حقوق نیز قابل بررسی است، که برای جلوگیری از اطاله کلام از بررسی آن خودداری می‌کنیم.

۳. مقایسه تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن و انتقال طلب

با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان نکات زیر را به عنوان نکات مقایسه‌ای تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن و انتقال طلب عنوان کرد:

۳.۱. تفاوت در ماهیت

تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن با توافق دائن سابق و جدید و متعهد صورت می‌پذیرد و ماهیت صرفاً قراردادی دارد. لکن انتقال طلب دارای ماهیت دوگانه است و می‌تواند دارای ماهیت قراردادی و در برخی موارد دارای ماهیت قهری و غیرقراردادی باشد.

۳.۲. نقش رضایت طرفین

در تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن رضایت همزمان دائن جدید، دائن قدیم و متعهد برای تحقق تبدیل تعهد شرط است. اما انتقال طلب با توافق مشترک دائن اصلی و دائن جدید صورت پذیرفته و رضایت مدیون شرط نمی‌باشد و صرفاً اطلاع او از قرارداد برای نفوذ قرارداد در حق او کفایت می‌کند. به عبارت دیگر در انتقال طلب یک قرارداد انتقال است لکن در تبدیل تعهد در یک زمان در قرارداد وجود دارد یکی باعث از بین رفتن تعهد اولی و دیگر باعث ایجاد تعهد دیگر می‌گردد.

۳.۳. تفاوت در نوع تعهد پس از قرارداد

در تبدیل تعهد ذات و ماهیت تعهد عوض می‌گردد. به عبارت دیگر تعهد قبلی ساقط شده و تعهد جدیدی جای آن را می‌گیرد، لکن در انتقال طلب، ماهیت و ذات تعهد عوض نمی‌شود، بلکه در ناحیه دائن جایگزینی صورت می‌پذیرد و تعهد و رابطه دینی با تمام اوصاف و ویژگیهای آن به قوت خود باقی می‌ماند. به عبارت دیگر در تبدیل تعهد، تعهد جدید ایجاد حال آن‌که در انتقال طلب همان تعهد منتقل می‌گردد.

۳.۴. تضمینات و سایر فروعیات مربوط به طلب

در تبدیل تعهد اصل بر این است، که همه تضمینات و دفاعات و اوصاف و ایرادات ساقط شده و تعهد جدیدی با تضمینات و دفاعیات و اوصاف و ایرادات جدید جایگزین آن گردد، مگر این‌که طرفین توافق دیگری نمایند. لکن در انتقال طلب از آن‌جا که تعهد پابرجا بوده و ساقط نمی‌شود. به تبع آن اصل بر این است،

بررسی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن و مقایسه آن با اعتبار طلب ۱۲۵

که توابع آن نیز ساقط نمی‌شود و دائن جدید جایگزین دائن اصلی می‌گردد مگر این‌که توافق دیگر صورت گرفته باشد.

۳.۵. هم در تبدیل تعهد و هم در انتقال طلب پس از ایجاد و نفوذ ذمه مدیون در برابر دائن اولی بری و نسبت به دائن ثانی مشغول می‌گردد.

در خاتمه پیشنهاد می‌گردد، با توجه به اهمیت موضوع و از آن‌جا که ابهامات زیادی در قانون ما در خصوص دو نهاد تبدیل تعهد و انتقال طلب وجود دارد، قانون‌گذار نسبت به اصلاح و تکمیل قانون‌گذاری در این خصوص و تعیین و تبیین جوانب مختلف آن اقدام تا از تفسیرهای سلیقه‌ای جلوگیری و انجام و اجرای آن سهل‌تر گردد.

منابع

منابع فارسی

۱. امامی، سیدحسن (۱۳۷۱)، *حقوق مدنی*، تهران: کتاب فروشی اسلامیه.
۲. امامی، سیدحسن (۱۳۷۱)، *حقوق مدنی*، تهران: کتاب فروشی اسلامیه.
۳. انصاری، طاهری؛ مسعود، محمدعلی (۱۳۸۴)، *مجموعه دانشنامه حقوقی*، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران: دانشگاه تهران.
۴. برجی، حسن (۱۳۸۳)، *ماهیت حقوقی تبدیل تعهد و آثار آن*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۵. جعفری لنگرودی، جعفر (۱۳۸۶)، *الفارق*، تهران، گنج دانش.
۶. جعفری لنگرودی، جعفر (۱۳۸۸)، *دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت*، تهران، گنج دانش.
۷. جعفری لنگرودی، جعفر (۱۳۸۸)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش.
۸. جعفری لنگرودی، جعفر (۱۳۷۹)، *محشای قانون مدنی*، تهران، گنج دانش.
۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، *لغت نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. سهنوری، عبدالرزاق (بی تا)، *انتقال و سقوط تعهدات*، مترجم، علیرضا امینی و همکاران، تهران: مرکز نشر کتاب.
۱۱. شهیدی، سیدمهدی (۱۳۷۷)، *تشکیل قراردادها و تعهدات*، تهران: نشر حقوق دان.
۱۲. شهیدی، سیدمهدی (۱۳۷۳)، *سقوط تعهدات*، تهران: مجد.
۱۳. صفایی، سیدحسین (۱۳۵۱)، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، تهران: انتشارات مؤسسه عالی حسابداری.
۱۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، *نظریه عمومی تعهدات*، تهران: مؤسسه یلدا.

بررسی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل دائن و مقایسه آن با اعتبار طلب ۱۲۷

منابع عربی

۱. حسینی عاملی، سید محمد جواد (بی تا)، مفتاح الکرامه، قم: مؤسسه آل البيت.
۲. سهنوری، عبدالرزاق (۱۹۵۹ م.)، الوسيط فی شرح القانون المدني الجديد، بیروت: دار الاحیاء.
۳. نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱ م.)، جواهر الکلام، دار الاحیاء لتراث العربی، بیروت: لبنان.

منابع لاتین

1. law of Contract, Paul H, (۲۰۰۲). Richards, 5 the EDI.